

مقاله حاضر، نوشته نوجوانی است که سن او از ۱۶ سال نمی‌گذرد و امسال به کلاس اول دبیرستان وارد شده است؛ اما با خواندن مقاله، تصدیق خواهید فرمود که ره صد ساله را یکشبه پیموده. چنین گرمپویی در عرصه ادب، بسیار خجسته است آنهم در روزگاری که «ادبیات» در بازار «عرضه»ی علوم و معارف نان و آبدار، بسیار بی «تقاضا»؛ یا «کم تقاضا» است. توفیق روزافزون این محقق شگرف و نوجوان را از خداوند گلچرخ خواستاریم.



دربارگاه سیمرغ

تاملی چند در ابیاتی از شاهنامه

از: جویا جهانبخش



□ در مواردی ضبطهای کهن و چشمگیر ما را در تصحیح گمراه می‌کنند و از معنی غافل؛ چنانکه ضبط شارستانم (یا شارسانم) آقای دکتر جلال خالقی مطلق ما را در تصحیح بیت معروف و واضحی از شاهنامه گمراه کرده است.

در دیباچه همه چاپهای معروف شاهنامه این بیت آمده است:
که من شهر علمم علیم درست

درست این سخن گفت پیغمبرست

در شاهنامه مصحح آقای دکتر جلال خالقی این بیت بدینگونه آمده است:

که من شارستانم علیم درست

درست این سخن گفت پیغمبرست

استعمال کلمه «شارستان» در این بیت جلوه‌ی نو و اصیل نما دارد و خواننده آنرا صورت کهن و صحیح می‌پندارد در صورتی که با تأمل در معنی بیت و منظور بیت معلوم می‌شود که شارستان کلمه‌ی است که به متن شاهنامه الحاق شده است.

این گفتار فردوسی ترجمه‌ای به نظم از این حدیث مشهور حضرت محمد (ص) است که می‌فرمایند: «أنا مدينة العلم و علی بابها» یعنی من شهر علم هستم و علی در آن است.

معنی بیت به پیشنهاد آقای دکتر جلال خالقی اینگونه است: «که من شهر هستم و علی در شهر است» و این به گمان بنده صحیح نیست زیرا که شارستان به معنی «شهر علم» نیست. از سوی دیگر این ضبط فقط در دو نسخه شاهنامه آمده است یعنی نسخه‌های

در زمانی که نگارنده به عللی مرتباً به اوراق مختلف شاهنامه اثر گرانقدر استاد سخنسرای توس رجوع می‌کرد و از تک تک ابیات و واژگان آن، جای جای، بهره می‌برد؛ گاه، متوجه نکاتی می‌گشت و آن‌ها را بر برگه‌های کوچک و یا در حواشی شاهنامه مشهور به چاپ مسکو و غیر آن، متذکر می‌شد.

در این گفتار چند یادداشت پراکنده از آن یادداشت‌ها را که براساس چاپهای دکتر جلال خالقی مطلق (دفتر یکم - تهران ۱۳۶۸) و دانشمندان شوروی (زیر نظر برتلس و نوشین - ۹ دفتر) و بنیاد شاهنامه فردوسی (زیر نظر و به اهتمام استاد زنده‌یاد روانشاد مجتبی مینوی رحمه‌الله علیه) فراهم آمده است؛ تدوین کرده‌ام که امیدوارم به عنوان تأملی کوتاه در بیتی چند از شاهنامه، از سوی یکی از کوچکترین بندگانی خداوند جان و خرد، پذیرفته شود. جویا جهانبخش

در معنی و توالی تأثیر ذهنی بهتری از برای خواننده دارد یعنی: وقتی گردنکشان پرسنده (= عیب جو و کسانی که تا به حال به خاطر بی‌فرزندی مرا سرزنش می‌کردند) بیایند از چگونگی این بچه سوال می‌کنند و ازو عیب‌جویی می‌کنند آنگاه چه بگویم که...

□ در داستان منوچهر (بیت ۲۳۸ بنابر چاپ دکتر خالقی و ۲۶۲ در چاپ مسکو) می‌خوانیم:

جدا پیشتر زین کجا داشتی

مدارم که (خالقی: اگر) آمد گه آشتی

این بیت قسمتی از سخن سرزنش‌آمیز زال به پدرش سام است که او را به سبب سیدی موی در کوه رها کرده بود و اینک باز او را پذیرا شده است.

در باره واژه «بیشتر» دکتر خالقی در حاشیه می‌نویسد: «در ف (= دستنویس فلورانس) حرف یکم سه نقطه دارد». مسکو نیز حرف یکم را با سه نقطه نوشته است، ولی اگر «بیشتر» را تحریف «بیشتر» (حرف یکم با یک نقطه) بدانیم بیت معنی بهتری می‌دهد و مقصود زال را می‌رساند، یعنی:

«بیشتر از اینکه (مرا) جدا داشتی، (جدایم) مدار که (یا اگر) وقت آشتی آمده است»

□ در داستان منوچهر (بیت ۲۶۸ براساس چاپ خالقی) می‌خوانیم:

(زال) بهر جای کاخی بیاراستی

می‌ورود و رامشگران خواستی

در دستنویسهای فلورانس مورخ ۶۱۴ (?) و کتابخانه موزه بریتانیا مورخ ۸۴۱ «به هر جای کاخی» است و در دستنویس واتیکان مورخ ۸۴۸ «بهر جای گاهی» و در دستنویس لنینگراد متأخر مورخ ۸۴۹ «بهر جای کاخی» است. در دستنویسهای لندن مورخ ۶۷۵، کتابخانه طویقاپوسرای مورخ ۷۳۱، کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد مورخ ۷۳۳، دارالکتب قاهره اول (= قآ در چاپ بنیاد شاهنامه) مورخ ۷۴۱، دارالکتب قاهره دوم مورخ ۷۹۶، کتابخانه دانشگاه لیدن مورخ ۸۴۰، کتابخانه ملکی پاریس مورخ ۸۴۴، کتابخانه دانشگاه آکسفورد مورخ ۸۵۲، کتابخانه دولتی برلین مورخ ۸۹۴ و دستنویس دوم طویقاپوسرای مورخ ۹۰۳، «بهر جایگاهی» آمده است. مسکو نیز «بهر جایگاهی» دارد.

به گمان نگارنده بهر جای کاخی بیاراستی تحریف و غلط نویسی صد در صد و مغایر با عقل است. همچنین است «بهر جای کامی» و «بهر جای گاهی». زیرا تا ضبط تأیید شده و صحیح «بهر جایگاهی» در دست است همه آن ضبطها و پرداختن به آنها بی‌جا و بی‌مورد هستند. «بهر جایگاهی بیاراستی» یعنی در هر مکانی اسباب راحتی را فراهم می‌کرد.^(۳)

فلورانس (مورخ ۶۱۴) و نسخه موزه بریتانیا مورخ ۸۹۱^(۴) که نسخه‌ی متأخر است.

نأسفانه برای بررسی، عکس نسخه مورخ ۸۹۱ را در دست نداشتم ولی در عکس نسخه فلورانس [که دانشگاه تهران به مناسبت هزاره تدوین شاهنامه منتشر کرده است. ص ۳] این بیت با بیت پسین و پیشین آن، در یک ناحیه دستخوردۀ ورق قرار دارند و چنانکه عکس نشان می‌دهد زیر آنها تراشیده شده است و این سه بیت با خطی نوتر از خط سراسر متن، نوشته شده‌اند. متأسفانه صورت اصلی معلوم نیست و نمی‌توان حدس زد که آیا خط در اصل، شهر علم بوده است و یا ضبط دیگری، ولی آنچه مشخص است این بیت و دو بیت بالا و پایینش، با خطی بسیار پُر رنگ، درشت و واضحتر از خط سراسر متن، نونویس شده‌اند.

□ در داستان منوچهر (بیت ۶۶ در چاپ مسکو و ۶۴ در چاپ دکتر جلال خالقی مطلق) می‌خوانیم:

چو آیند و پرسند گردنکشان

چه گویم ازین بچه بد نشان

چه گویم که این بچه دیو چیست

پلنگ دورنگست گر بربريست

با مراجعه به فهرست نسخه بدل‌های چاپ خالقی درباره مصرع اول بیت اول می‌بینیم:

نسخه‌های «س» (= طویقاپوسرا مورخ ۷۳۱)، قاهره اول (= ق، مورخ ۷۴۱)، قاهره دوم (= ق ۲، مورخ ۷۹۶) و آکسفورد (مورخ ۸۵۲ با رمز «آ») فاقد «و» هستند و نسخه «س» پرسند را نیز «پرسند» ضبط کرده است.

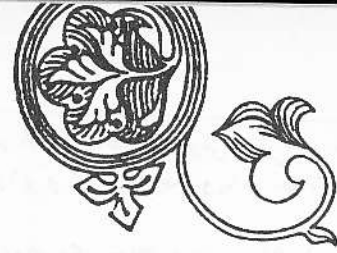
در مورد مصرع دوم از بیت اول می‌خوانیم:

چه گویم در «س» و قاهره دوم «پرسند» درلن (= لنینگراد مورخ ۷۳۳) و قاهره اول «بترسند» و در لیدن، «نشانها» و در پاریس و آکسفورد «چه گویند» و در نسخه «ل ۲» (مورخ ۸۹۱) «بپرسند» (حرف دوم بی‌نقطه) آمده است. ضبط نسخ «س» و قاهره دوم و «ل» و همچنین لن و قاهره اول (یعنی بترسند که مسلماً محرف بپرسند است) اصالتی از این ضبط به ما می‌نمایاند و از سوی دیگر مؤید ضبط «س» در مصرع اول است یعنی صورت اصلی احتمالی بیت ۱ به این شکل در نظر ما مجسم می‌سازد:

چو آیند پرسنده گردنکشان

بپرسند ازین بچه بد نشان

بیتی به ما ارائه می‌دهد که: ۱ - صورت دشوارتری نسبت به صورتهای دو نسخه چاپی دارد ۲ - از استعمال پی در پی چه گویم آغاز این مصرع و مصرع اول بیت بعد جلوگیری می‌کند ۳ -



(آزی) دیو آفریده...

فردوسی در شاهنامه (داستان سیاوش - به تصحیح مجتبی مینوی - ب ۲۹۹۳) می‌گوید:

سوی از منگر که او دشمنست

دلش برده^(۱) جان آهرمنست

بنابراین، آزی به معنی حرص و افزون‌خواهی، منفی و اهریمنیست ولی در این بیت، «آزی در پیش داشتن» دو عاشق چندان به صواب نزدیک نمی‌نماید چرا که فردوسی عشق پاک زال و رودابه را نکوهش نمی‌کند.

در این موضع نسخ لندن مورخ ۶۷۵، قاهره مورخ ۷۴۱، لیدن مورخ ۸۴۰، پاریس مورخ ۸۴۴، واتیکان مورخ ۸۴۸، آکسفورد مورخ ۸۵۲ و دو نسخه متأخر دیگر به جای «آزی» «آرزو» دارند که بهتر می‌نماید. بهتر است مصراع دوم را اینگونه بخوانیم:

«خرد دور بود، آرزو پیش بود»

□ تکرار مضامین، مصراعها و ابیات در شاهنامه کم نیست و گاه یک بیت در چند محل مختلف بیکار می‌رود. این ویژگی عجیب نیست زیرا شاهنامه به عنوان یک اثر ادبی جهانی با موضوعات گسترده است و با یک سیر مشخص و اندیشه‌های ثابت آفریده شده است و قاعده خالی از تکرار نخواهد بود.

این تکرار گاهی خواننده‌ای را که تفصیل نسخه‌ها را به دقت مطالعه کرده است، در یافتن یک وجه صحیح یاری می‌کند.

در بیت ۵۶۴ داستان منوچهر (تصحیح دکتر خالقی) از زبان زال چنین می‌شنویم:

چنین گفت کز داور داد و پاک

دل ما پر از ترس و اومید و پاک

به بخشایش اومید و ترس از گناه

به فرمان‌ها ژرف کردن نگاه

مصراع دوم بیت دوم در دیباچه شاهنامه (چاپ خالقی بیت ۱۳) در نسخ طوپقاپوسرای، قاهره دوم، لنینگراد، لیدن، پاریس و واتیکان (که خویشاوند نیستند) به همین صورت بدون یک کلمه کم و زیاد آمده است:

پرستنده باشی و جوینده راه

به فرمان‌ها ژرف کردن نگاه

و در نسخ فلورانس، لندن مورخ ۶۷۵، قاهره اول، آکسفورد، لندن مورخ ۸۹۱ و برلین «به ژرفی به فرمانش کردن نگاه». آقای دکتر خالقی و ویرایشگر متن مسکو هر دو از ضبط اخیر پیروی کرده‌اند و حتماً صورت «مکرر» را «تحریف و تصحیف» پنداشته‌اند درحالی که این مصراع در داستان منوچهر هیچ نسخه بدلی ندارد و نشان می‌دهد صورتی اصیل از بیان فردوسی است.

پس می‌توان حدس زد که صورت دشوار مکرر یعنی «به فرمان‌ها ژرف کردن نگاه» به ساده‌ترین صورت تحریف شده است. گرچه احتمال دیگر این است که فردوسی در تجدیدنظر خود صورت بیت را تغییر داده باشد اما این گمانی ضعیف است.

(نسخه بدلهای چاپ مسکو دستنویس ۱۷ مورخ ۸۴۹ نیز که در شاهنامه خالقی به عنوان نسخه فرعی مورد استفاده قرار گرفته است مؤید گزینش ماست)

□ در داستان منوچهر (بیت ۶۱۲ در چاپ خالقی)

می‌خوانیم:

□ در داستان منوچهر (چاپ دکتر خالقی بیت ۴۱۲)

می‌خوانیم:

دو نرگس دژم و دو ابرو به هم

ستون دو ابرو چو سیمین قلم

به جای سیمین قلم در دستنویسهای لندن، طوپقاپوسرای، قاهره اول و دو دستنویس متأخر مورخ ۸۹۱ و ۹۰۲ «تیغ درم» آمده است. در قاهره دوم و واتیکان و آکسفورد و نیز لنینگراد متأخر «تیغ درم» آمده است. در قاهره دوم و واتیکان و آکسفورد و نیز لنینگراد متأخر «تیغ دژم» (که بی‌معنی و محرف تیغ درم است) و در نسخه لیدن و لندن ۸۴۱ «تیغ قلم» آمده است. متن برابر فلورانس، لنینگراد، پاریس و برلین است.

درباره معنی و ارزش لغت «تیغ درم» استاد فاضل دکتر علی رواقی (در واژه‌های ناشناخته شاهنامه دفتر ۲) نوشته‌اند: «تیغ در اینجا به معنی لبه و کناره است و تیغ درم لبه و پهلو و کنار درم می‌تواند باشد که چون نازک است بینی را از باب قلمی بودن و باریک بودن به آن تشبیه کرده‌اند» و سه شاهد برای این لغت از جلد اول و دوم سمک عیار نیز آورده‌اند.

آقای دکتر خالقی در اعترافی به این گزینش (در نامواره افشار - ج ۳ - ص ۱۸۵۴) می‌نویسند: «شاید یک بینی عقابی را بتوان به درم مانند کرد ولی یک بینی قلمی را مشکل بتوان به گمان من، تیغ دژم هر کجا در شاهنامه در تشبیه بینی آمده گشته «میخ درم» است که در برخی از دستنویسهای شاهنامه هست و آن افزاری بوده است که بر آن نقش سکه را می‌کنده‌اند و در زدن سکه به کار می‌رفته است»

اولاً: برخلاف نظر آقای دکتر خالقی بینی قلمی را می‌توان به کشیدگی و نازکی کنار درم تشبیه کرد و حتی به نظر من بینی عقابی را هم می‌توان به صفحه درم تشبیه نمود. ثانیاً تیغ برای یک رونویسگر واژه دشوارتریست یا میخ که بخواهد میخ را به تیغ بدل کند؟ ثالثاً اگر تیغ درم گشته میخ درم است چرا میخ درم را (که در نسخه بدلهای هم نیست) به متن نبردید و سیمین قلم را باقی گذاشته‌اید؟ آیا به راستی «سیمین» ضبطی دشوارتر از «میخ» (؟) و «تیغ» است. پس بهتر است همان ضبط تیغ درم را که برخلاف نظر مصحح محترم معنی هم دارد؛ (بنده بینی قلمی را غیرقابل تشبیه به کناره نازک درم نمی‌دانم) به متن ببریم.

□ در داستان زال و رودابه (بیت ۵۵۲) در تصحیح آقای

دکتر جلال خالقی مطلق می‌خوانیم: [زال و رودابه به یکدیگر در شی تار می‌رسند و در زمان وداع پیمان می‌بندند]

همی هر زمان مهرشان بیش بود

خرد دور بود آزی در پیش بود

چنانکه می‌دانیم در شاهنامه و ادبیات مزدیسنا آزی آفریده دیو و یا دیو افزون‌طلبیست در یسنا ۶۸ بند ۸ ترجمه پورداود چنین آمده است: «آب روان، درخت بالنده را می‌ستاییم برای ایستادگی در برابر آزی»

سراسر نویسد و درود و پیام در نسخ لندن مورخ ۶۷۵ و طوبقاپوسرای و لنینگراد کهن و قاهره دم و پاریس و آکسفورد و لندن مورخ ۸۹۱ و نیز طوبقاپوسرای متأخر (مورخ ۹۰۳) به جای پیام، ضبط دشوار «خرام» آمده است. فاهره و لیدن آسانترین صورت قابل تحریف یعنی «سلام» ضبط کرده‌اند و در فلورانس و واتیکان و برلین و نیز لنینگراد متأخر (مورخ ۸۴۹) و لندن (مورخ ۸۴۱) «پیام» آورده است. چاپ مسکو نیز در این موضع خرام آورده است.

در برهان قاطع آمده است «خرام»: ... نوید و مزدگانی و خبرهای خوش را هم گفته‌اند و به معنی شادی و شادمانی هم آمده است و به معنی مهمانی و ضیافت و مزده به مهمانی طلبیدن هم هست. (صفحه ۷۲۴).

در گزیده لغت شهنامه (تألیف عبدالقادر البغدادی، تصحیح، کارلوس زالمان) به کوشش حسین خدیو جم (ضمیمه معجم شاهنامه) این واژه با همین شاهد آورده شده و در حاشیه بشارت معنی شده است.

چنانکه می‌بینیم این واژه نه بی‌معنی‌ست که در متن اشکالی به وجود بیورد و نه چندان ساده که به سبب دشوار نبودن به حاشیه برده شود، بلکه واژه‌ای دشوار و اصیل است که به سبب همین دشواری به لغات آسان و زود فهم «سلام» و «پیام» تبدیل شده است استعمال این واژه در شاهنامه نیز سابقه دارد پس بهتر است بیت را اینگونه بخوانیم:

یکی نامه فرمود نزدیک سام

سراسر نویسد و درود و خرام

□ در داستان رستم و سهراب (بیت ۳۴۳) می‌خوانیم:

هنوز آن گرامی نداند که جنگ

همی کرد باید که نام و ننگ

استاد مینوی در حاشیه نسخه مصحح خودشان افزوده‌اند: «به جای همی (ضبط نسخه قآ و نسخه پاریس) همه نسخ دیگر «توان» دارند، و «توان کرد باید» بی‌معنی‌ست مگر آنکه «توان کرد و، باید» بخوانیم. نسخه دهلی دارد: توان یاد کردن بهنگام ننگ، و این گمان می‌کنم تصرف دیگران باشد.»

با بررسی «تفصیل نسخه بدل‌ها» و «مقابله نسخه فلورانس» این نتایج درباره ضبط نسخ به دست می‌آید:

بم (مورخ ۶۷۵) و مب (مورخ ۸۴۱): توان کرد...

لن (مورخ ۷۳۳): توان کرد و داند شتاب و درنگ

حظ (مورخ ۸۰۷): توان باز کردن به هنگام جنگ

دهلی (مورخ ۸۳۱): توان یاد کردن به هنگام ننگ

فلورانس (مورخ ۶۱۴؟): توان باز کردن بهنگام چنگ

قآ (مورخ ۷۴۱) و پاریس: همی کرد...

قب: به جای این بیت، بیت دیگری دارد

چنانکه می‌بینیم ضبطهای «بم» و «قب» و «لن» هیچکدام سالم و اصیل و با معنی درست نیستند. ضبط «قآ» و «پاریس» هم بسیار ساده است و می‌تواند حاصل تصرف کاتب یا پاک شدگی در نسخه مورد استفاده کاتب باشد. دشواری ضبط «قآ» و «پاریس» هم از سایر ضبط‌ها کمتر است. ضبطهای «دهلی» و «حظ» و «فلورانس» ظاهراً ارزشی ندارند، ولی با دقت کردن معلوم می‌شود که همه از یک ضبط واحد ناشی شده‌اند و از سایر ضبط‌ها بهترند (البته نه بدین صورت محرف). به گمان ما ضبط نسخه دهلی صحیحتر است و ضبط «حظ» و «فلورانس» تحریف شده همین ضبط است، یعنی «یاد» را «باز» نوشته‌اند و به همین سبب «ننگ» را به «جنگ» و «چنگ» تبدیل کرده‌اند (که تشخیص هر دو تحریف بر اساس تجربه در شناخت تحریفات، امکان دارد) پس صورت صحیح بیت بدینگونه است:

هنوز آن گرامی نداند که جنگ

توان یاد کردن به هنگام ننگ

(این گزینش با روش گفتار فردوسی نیز مخالف نیست)

□ در داستان رستم و سهراب (بیت ۳۲۰ از چاپ مسکو)

می‌خوانیم:

نخست آفرین کرد بر کردگار

جهاندار و پرورده روزگار



واژه پرورده باعث گمراهی مصحح متن بنیاد شاهنامه یعنی استاد مجتبی مینوی شده است. ایشان در حاشیه صفحه ۲۱ پس از بیت ۳۱۴ توضیح می‌دهند: «... در بم بیتی دارد که الحاقی به نظر رسید و حذف شد...» (سپس بیت را می‌آورند). ایشان در مقاله‌ای به نام «نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح متون ادبی بشود» (مینوی و شاهنامه، ص ۱۱۰) درباره آن کاتب فرضی که آنرا به متن الحاق کرده است می‌نویسند: «مرد آن قدر ابله بوده است که نمی‌فهمیده است استعمال «پرورده روزگار» در حق کردگار، زبان فردوسی نمی‌تواند باشد، بلکه هیچ فارسی زبانی چنین غلطی نمی‌کند.» درباره واژه «پرورده» که استاد مینوی احتمالاً نظری عجولانه درباره آن ارائه داده‌اند دو گمان کرده‌اند:

۱ - بعضی مانند آقایان دکتر شعار، یاحقی و انوری در گزارشهایشان از این داستان و مرحوم عبدالحسین نوشین در گمان اولشان در واژه نامک بیت را اینگونه معنی کرده‌اند: جهاندار و پرورده (= تجربه دیده) روزگار (= کیکاووس)، نخست، [در نامه‌اش] بر کردگار آفرین کرد. یعنی مصراع اول را خبر فاعل که در مصراع دوم است دانسته‌اند.

۲ - بعضی دیگر مانند مرحوم عبدالحسین نوشین در گمان دومش در واژه نامک پرورده (صفت مفعولی) را در معنای فاعلی دانسته‌اند. هر دو نظر تا حدی قابل پذیرش است و تا اینجا نتیجه می‌گیریم که: «استاد به بی‌معنی و بدمعنی بودن بیت برای حذف آن غلط است» ولی آیا حذف بیت خود غلط است؟

به احتمال زیاد حذف بیت صحیح است چرا که بیت در روند متن



دشواری و پیچیدگی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر فقط در نسخه اساس مینوی (= بریتیش میوزیوم مورخ ۶۷۵) آمده است. البته در این مورد احتیاط لازم است و باید کلیه دستنویس‌های شناخته شده شاهنامه (و یا اکثر آنها) بررسی گردند.

پس: امیدواریم در چاپ بعدی این اثر گرانقدر استاد، بی‌معنی و یا بدمعنی بودن پرورده را حذف کنند و به جای آن دلیل روشن و صحیحی ارائه دهند.

□ در داستان سیاوش (چاپ بنیاد شاهنامه - بیت ۱۷۸۷) می‌خوانیم:

ز گفتار او شاد شد شهریار

که دخت برومندش آمد بیار

استاد مینوی در حاشیه می‌نویسد: «همه نسخه دیگر «شاخ برومندش» دارند و بنداری هم «عُصن» گفته است مع هذا به نظر ما متن رجحان دارد.»

با مراجعه به نسخه بدلها در مورد این ضبط این نتیجه حاصل می‌شود:

قاهره اول: جو (= چو) شاخ برومندش

فلورانس: کی (= که) شاخ برومندش

سایر نسخه: که شاخ برومندش

اساس (لندن مورخ ۶۷۵): که دخت برومندش

به دلایل زیر، با بررسی نسخه البنداری، نسخه بدلهای متن و ... درمی‌یابیم که ضبط شاخ برخلاف رأی استاد مینوی ارجح است:

۱ - در همه نسخه معتبر به غیر از اساس شاخ آمده است.

۲ - در ترجمه عربی شاهنامه نیز که از روی نسخه‌ای کهنتر از اساس (مورخ ۶۷۵) انجام گرفته است شاخ (به عربی: عُصن به معنی شاخ و شاخه) آمده است.

۳ - برای شاخ در بیت، فعل بیار آمدن بکار رفته و بهتر از دخت جلوه می‌کند.

۴ - مضافاً اینکه شاخ در متون و ظاهراً در شاهنامه نیز، مجازاً به معنی فرزند استعمال شده است.

پس مصراع دوم را اینگونه بخوانیم:

«که شاخ برومندش آمد به بار»

□ در آغاز داستان رستم و اسفندیار (بنابر چاپ مسکو) می‌خوانیم:

که چون مست باز آمد اسفندیار

دژم گشته از خانه شهریار

کتایون قیصر که بُد مادرش

گرفته شب و روز اندر برش

چو از خواب بیدار شد تیره شب

یکی جام می‌خواست و بگشاد لب

چنین گفت با مادر اسفندیار

که با من همی بد کند شهریار

(شاهنامه - ج ۶ - ص ۲۱۷)

چنانکه می‌بینیم بین ابیات اول و دوم و سوم گسستگی معنایی وجود دارد. ابیات اینگونه معنی می‌شوند: «که وقتی اسفندیار افسرده و خشمناک از درگاه شاه باز آمد، کتابون دختر قیصر که مادرش بود و او را شب و روز در بر گرفته - وقتی اسفندیار از خواب بیدار شد...». چنانکه می‌بینیم این اشکال و گسستگی معنایی که ما آنرا با خط تیره (-) نموده‌ایم نشان از تحریف بیت و تصحیف، و یا

جابجایی ابیات دارد. از آنجا که با حذف بیت دوم (کتابون قیصر که... اشکال رفع نمی‌شود باید مشکل را ناشی از دست‌خوردگی بیت دانست. تنها نسخه بدلی که ما را در رفع مشکل یاری می‌کند حاشیه مصراع دوم بیت دوم است. نسخه بدل‌های مسکو، دستنویسهای قاهره مورخ ۷۴۱ (با رمز K)، لنینگراد مورخ ۷۳۳ (با رمز A) و انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی مورخ ۸۴۹ (با رمز IV) به جای «گرفته شب و روز اندر برش»، «گرفته شب تیره اندر برش» دارند که بهتر است زیرا که «شب تیره» یک شب و همان شب داستان است و معنی ابیات و پیوستگی آنها براساس این ضبط، سالم می‌شود ولی «شب و روز» حکایت از ایامی دارد که قبلاً در آنها کاری انجام شده است. بنابر گزینش ما (یعنی «گرفته شب تیره اندر برش») ابیات اینگونه معنی می‌شوند «... وقتی اسفندیار مست و ناراحت از درگاه شاه آمده بود کتابون دختر قیصر - که مادرش بود - او را در [آن] شب تیره در برگرفته بود. وقتی اسفندیار از خواب بیدار شد...».

شاهنامه ژ. مول نیز «شب تیره» دارد.

□ در داستان رستم و اسفندیار (شاهنامه چاپ شوروی -

ج ۶ - صفحه ۲۲۰) هنگامی که جاماسپ شوربختی اسفندیار را به گشتاسب گزارش می‌کند:

بدو گفت شاه ای پسندیده مرد

سخن گوی و ز راه دانش مگرد

هلا زود بشتاب و با من بگوی

کزین پرسشم تلخی آمد به روی

گر او (اسفندیار) چون زریر سپهد بود

مرا زیستن زین سپس بد بود

ورا در جهان هوش در دست کیست

کزان درد ما را بباید گریست

بدو گفت جاماسپ کای شهریار

تو این روز را خوار مایه مدار

ورا هوش در زاولستان بود

بدست تهم پور داستان بود

به جاماسپ گفت آنگهی شهریار

به من بر برگردد بد روزگار؟

ظاهراً و بنابر بعضی نسخه جای واقعی مصراع دوم ابیات ۵ (تو این روز را... و ۷ (به من بر...)) نباید آنچنان که در چاپ مسکو آمده، باشد، بلکه باید مصراع دوم بیت هفتم با تبدیل «بگردد» به «نگردد»

به جای مصراع دوم بیت پنجم گذاشته شود و مصراع دوم بیت ۵ به جای مصراع دوم بیت ۷، یعنی دو بیت اینگونه مرتب شود:

بدو گفت جاماسپ کای شهریار

به من برنگردد بد روزگار

یعنی بدی روزگار به رأی و نظر من دچار تغییر نمی‌شود.

و:

به جاماسپ گفت آنگهی شهریار

که این روز (در بعضی نسخه: کار) را خوار مایه مدار

یعنی به این آسانی از روز مرگ اسفندیار سخن مگوی.

این گزینش ما دقیقاً مطابق دستنویس قاهره و با اندکی اختلاف در ضبط نقطه‌ها و بعضی واژه‌ها، برابر متن چاپ ژ. مول و دستنویسهای مورخ ۷۳۳ و VI است که احتمالاً در حدود ۸۵۰ هجری کاتب شده و با دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ نیز خویشاوند است.